



فصل نامه تحلیلی-انتقادی حوزه • شماره بیستم • بهار ۱۴۰۲

مروری تحلیلی بر بیانات مقام معظم رهبری درباره آیت الله العظمی سید محمد هادی میلانی قدس سره



سید مهدی حسینی

(سطح چهار حوزه علمیه مشهد و عضو گروه علمی مؤسسه میراث فقاهاست خراسان)



علیرضا نوروزی

(محقق و استاد سطوح عالی حوزه علمیه مشهد و دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی)

آیت الله العظمی حاج سید محمد هادی میلانی قدس سره از مراجع معاصر شیعه بودند که در نجف اشرف به دنیا آمدند و در حوزه علمیه نجف اشرف به تحصیل و تدریس پرداختند. ایشان سپس به کربلا مهاجرت کردند و سالها بعد با اصرار علمای مشهد، در این شهر اقامت گزیدند. حضور ایشان در حوزه مشهد برکات و فواید زیادی داشت و مقام معظم رهبری که افتخار شاگردی ایشان را داشتند در سخنان خود به بخشی از آن برکات اشاره می کنند و همواره با عبارات احترام آمیز و به بزرگی از استاد خود یاد می کنند و از نقش مؤثر ایشان در احیای حوزه علمیه مشهد تجلیل می کنند. در این نوشتار، کوشیده ایم تمام مطالب نقل شده در کلام مقام معظم رهبری درباره آیت الله العظمی میلانی را از منابع مختلف گردآوری و دسته بندی کنیم و ویژگی های این عالم و مرجع برجسته را از دیدگاه آیت الله العظمی خامنه ای (دامت برکاته) تبیین کنیم. در همین راستا برخی خاطرات مرتبط با آیت الله العظمی میلانی نیز از زبان ایشان بازگو می شود.

مقدمه

آیت‌الله‌العظمی سیدمحمد هادی میلانی از مراجع تقلید معاصر شیعه و استاد مقام معظم رهبری، آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای و بسیاری از مراجع و علمای کنونی بودند که نقشی به‌سزا در تحول حوزه علمیّه مشهد و رویدادهای سیاسی و اجتماعی دوران معاصر داشتند.

در این نوشتار، جهت آشنایی با ابعاد شخصیتی ایشان به سراغ بیانات مقام معظم رهبری می‌رویم و پس از دسته‌بندی به تحلیل و تبیین سخنان معظم‌له در مورد این فقیه عالی‌قدر می‌پردازیم.

۱. جریان هجرت آیت‌الله میلانی به مشهد مقدس و برکات آن

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی در سخنانی از ایشان تجلیل کرده و ماجرای اقامت ایشان در مشهد را نقل می‌کند: «بنده فراموش نمی‌کنم، آن وقتی که مرحوم آیت‌الله میلانی که حق عظیمی بر گردن این حوزه دارند - و من امروز با خودم فکر کردم که وظیفه دارم اسم شریف آن بزرگوار را با تجلیل و عظمت در اینجا یاد کنم؛ این حوزه، بهره زیادی از ایشان برد - وارد شهر مشهد شدند و حوزه مشهد را با آثار علمی خودشان مزین و مباحی کردند، انصافاً حوزه نیاز به ترمیم داشت. فراموش نمی‌کنم، آن روزهایی که علما به دیدن ایشان می‌رفتند، من هم با مرحوم پدرم،

دیدن ایشان رفته بودیم [آن روزها] من خیلی جوان بودم و استاد بزرگ این حوزه و عالم نام‌آور و بی‌نظیر حوزه مشهد، مرحوم آیت‌الله شیخ مجتبی قزوینی رضوان‌الله علیه جلوی ایشان نشسته بود و طلبکارانه از ایشان می‌خواست و اصرار می‌کرد که شما در مشهد بمانید. در واقع مرحوم شیخ مجتبی، ایشان را در مشهد نگه داشت. مرحوم آقای میلانی در مشهد ماند؛ حوزه مشهد رونقی پیدا کرد. قبل از آن بزرگانی بودند؛ اما حوزه مشهد حوزه‌ای نبود که بتواند متخرجین خود را در میان حوزه‌های بزرگ شیعه در بیاورد و نشان بدهد. با آمدن آقای میلانی این کار شد.^۱

مقام معظم رهبری در کتاب گزارشی از سابقه تاریخی و اوضاع کنونی حوزه علمیّه مشهد، از دوران فترت و رکود حوزه علمیّه مشهد (سال‌های ۱۳۱۴ تا ۱۳۲۰ش) سخن گفته است و پایان این رکود و فترت را با ورود آیت‌الله میلانی به مشهد می‌داند و می‌فرماید: «این دوران فترت و رکود بیش از چند سال به طول نینجامید که در سال ۱۳۷۳ق آیت‌الله حاج سیدمحمد هادی میلانی که از شاگردان مرحوم میرزای نایینی و آقا حسین قمی و مرحوم شیخ محمد حسین اصفهانی معروف به کمپانی بود و در کربلا به تدریس و اقامه جماعت اشتغال داشت، به قصد زیارت به مشهد آمد و به خواهش جمعی از روحانیون در این شهر، اقامت گزید و به تدریس مشغول شد و از آن تاریخ حوزه

به جاهایی که احتیاج هست: به شهرها، حوزه‌ها، حوزه‌های بزرگ و حوزه‌های کوچک، و بعد به داخل دستگاه‌های دولتی، داخل ادارات، داخل کارخانه‌ها، آن‌جاها که طلبی و تمایلی هست، و بعد هجرت به خارج از کشور. امروز یکی از مصادیق هجرت، ممکن است این باشد.^۳

آیت‌الله حاج شیخ رجبعلی رضا زاده نیز در مصاحبه‌ای با هفته‌نامه حریم امام فرمودند: چندی قبل که مقام معظم رهبری مشهد بودند در جلسه شورای عالی حوزه مشهد فرمودند: «حوزه مشهد با آمدن آقای میلانی تحول علمی و غیر علمی پیدا کرد و با رفتن ایشان تقریباً یک مقدار ضعیف شد.»^۴

۲. ریاست حوزه علمی مشهد

مقام معظم رهبری نسبت به ارکان حوزه مشهد می‌فرماید: «ساختمان کلی حوزه مشهد از سه طبقه تشکیل می‌یابد: طبقه اول: طلاب علوم دینی...؛ طبقه دوم: مدرسین یعنی استادان همین درس‌ها و رشته‌ها؛ طبقه سوم: رؤسای حوزه، یعنی علمای بزرگی می‌باشند که امور کلی حوزه (مانند امور مدارس، امور مالی و خلاصه کارهای عمومی طلاب) را اداره کرده و خط مشی حوزه را در برابر پاره‌ای از مسایل

مشهد رونقی تازه گرفت و در شمار حوزه‌های رایج شیعه درآمده است.»^۲

ایشان در جای دیگری نسبت به جایگاه آیت‌الله‌العظمی میلانی و هجرت ایشان از کربلا و نجف به مشهد مقدس و برکات این هجرت چنین می‌فرمایند:

«بعضی از بزرگان هستند که اگر به شهرهای دیگر بروند، وجودشان در آن‌جاها انفع از قم خواهد بود. حتی درباره بزرگان هم چنین چیزی وجود دارد. خوب، یک نفر مثل آیت‌الله میلانی رضوان‌الله‌تعالی علیه، از کربلا که دم گوش نجف بود و مثل ایشان در نجف و کربلا تعداد زیادی بودند، پا شد آمد مشهد و حوزه علمی بزرگی را به وجود آورد. این، یک واقعیت است. حقیقتاً از برکات

الهی برای حوزه مشهد، وجود آیت‌الله میلانی بود. خوب؛ ایشان می‌توانست تا آخر عمر در کربلا بماند. آن وقت، عالمی در ردیف چندین نفر مثل خودش بود. یعنی بعضی اگر علماً هم جلوتر نبودند، شاید از جهات دیگر، جلوتر از ایشان بودند. لکن ایشان به مشهد آمد و مایه برکت شد. پس، این حرف، حتی درباره شخصیت‌هایی مثل مرحوم آیت‌الله میلانی هم جاری است؛ تا از تراکم جلوگیری شود. این هم هجرت؛ هجرت

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی در سخنانی از ایشان تجلیل کرده و ماجرای اقامت ایشان در مشهد را نقل می‌کند: «بنده فراموش نمی‌کنم، آن وقتی که مرحوم آیت‌الله میلانی که حق عظیمی برگردن این حوزه دارند - و من امروز با خودم فکر کردم که وظیفه دارم اسم شریف آن بزرگوار را با تجلیل و عظمت در اینجا یاد کنم؛ این حوزه، بهره زیادی از ایشان برد - وارد شهر مشهد شدند و حوزه مشهد را با آثار علمی خودشان مزین و مبهی کردند، انصافاً حوزه نیاز به ترمیم داشت...»

عمومی که با حوزه ارتباط می‌یابد، تعیین می‌کنند. در خلال بحث‌های آینده روشن خواهد شد که این سه طبقه از یکدیگر کاملاً مجزا و به صورت سه گروه مستقل و جدا نیستند. بدین صورت که عده‌ای از طلاب حوزه، در عین حال، مدرس نیز می‌باشند و به تناسب قدرت علمی و سابقه تحصیل، دروس، کتاب‌هایی را تدریس می‌کنند. رؤسای حوزه نیز به‌طور عموم به کار تدریس اشتغال دارند و در حال حاضر دو تن از رؤسای این حوزه (آیت‌الله‌العظمی میلانی و آیت‌الله قمی) مبرزترین اساتید حوزه علمیه مشهد می‌باشند و اساساً یکی از شئون ریاست، به عهده گرفتن درس خارج است.^۵

در ادامه می‌فرمایند:

«در حال حاضر، ریاست اداره حوزه علمیه مشهد، به عهده افراد زیر است:

۱. آیت‌الله حاج سیدمحمد مهدی میلانی - نام‌برده حائز مهم‌ترین کرسی تدریس فقه و اصول در حوزه مشهد است و قسمتی از شهریه طلاب و مدرسان را نیز به عهده دارد. مدرسه‌ای نیز به صورت نسبتاً نوین تأسیس کرده که عده‌ای از طلاب در آن به فراگرفتن دروس اسلامی مانند: فقه، اصول، تفسیر و کلام اشتغال دارند.»^۶

۳. احیای حوزه علمیه مشهد

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای می‌فرماید:

«در سابق آقایان راه می‌افتادند و به حوزه‌های بزرگ می‌رفتند؛ اما گاهی یک

حوزه بزرگ، در جایی به وجود می‌آید. همچنان که در مشهد، مرحوم آیت‌الله میلانی، درواقع حوزه مشهد را از کمی بالاتر از صفر، به یک حوزه مأمور و آباد تبدیل کرد! مشهد که درس خارج نداشت؛ یعنی یکی دو درس به اسم درس خارج بود؛ اما درس خارج نبود؛ درس‌های ریاستی عنوانی بود. یکی دو نفر از آقایان علما که بعضاً هم ملا بودند، حضور داشتند، اما حوصله درس گفتن نداشتند. آنها برای درس گفتن وقت نمی‌گذاشتند و به کارهای ملایی - ملایی‌های مردمی و شهری - می‌پرداختند. چند نفر هم آدم‌های ظاهراً معمم باطناً بی‌اطلاع از معارف اسلامی، پای درس‌شان جمع می‌شدند. درس خارج مشهد اینها بود. از این رو واقعاً اگر کسی سطوح را در مشهد می‌خواند و می‌خواست به درس خارج برود، باید به قم می‌آمد و هیچ علاجی جز این نداشت. آقای میلانی از کربلا وارد مشهد شدند. وقتی که ایشان وارد مشهد شدند دفعتهاً حوزه مشهد به یک حوزه حقیقی تبدیل شد. ایشان آمدند و درس را شروع کردند و اول تعدادی طلبه -چهل، پنجاه، یا شصت نفری- به درس‌شان رفتند. حدود سال ۳۳-۳۴ بود. آن وقت که ایشان آمدند، من به درس خارج نمی‌رفتم. یک دو سالی ایشان درس گفتند، یواش یواش درس‌شان رونقی گرفت. مبحث «صلاة» را شروع کردند و طلبه‌های جوان رفتند، ما هم رفتیم. من قبل از اینکه به قم بیایم، دو سال و خورده‌ای به درس ایشان می‌رفتم. وقتی می‌خواستم

به قم بیایم، خیلی از افراد مرا تخطئه می‌کردند که «قم برای چه؟! در اینجا که آقای میلانی هست». البته در آن وقت، شوق قم ما را کشاند؛ ولیکن کسانی بودند که واقعاً در مشهد پای درس مرحوم میلانی ماندند و ملا شدند.^۷

۴. تدریس درس خارج در حوزه علمیه مشهد

مقام معظم رهبری در مورد مُدرّسان خارج حوزه علمیه مشهد می‌فرمایند:

«مهمترین مدرّسان دوره خارج در حوزه

علمیه مشهد عبارتند از: آیت‌الله حاج سیدمحمدهادی میلانی که در خانواده روحانی در عراق عرب تولد یافته و به جز چند سال از دوران کودکی، بقیه عمر تحصیلی خود را در حوزه‌های علمیه نجف و کربلا گذرانیده‌اند. تحصیلات ایشان در محضر اساتید بزرگ آن دوره مانند: حاج میرزا محمدحسین نایینی، حاج آقا حسین قمی و حاج شیخ محمدحسین اصفهانی انجام یافته و از متخرّجین حوزه نجف می‌باشند. در سال ۱۳۷۳ق که به قصد زیارت به مشهد سفر کرده بودند و به خواهش جمعی از روحانیون این حوزه،

در مشهد اقامت گزیده و به تدریس خارج فقه و اصول مشغول گشتند. ایشان اکنون از لحاظ موقعیت علمی در شمار علمای طراز اول شیعه و از مراجع تقلید به شمار می‌آیند. حوزه درس ایشان شبها در شبستان غربی مسجد جامع گوه‌رشاد تشکیل می‌شود.^۸

۵. حضور مقام معظم رهبری در درس خارج آیت‌الله میلانی

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در ۱۷ سالگی پای درس خارج آیت‌الله میلانی حضور یافتند. آن زمان در حوزه مشهد هیچ کس نبود که در

این سن، درس خارج را شروع کند، ایشان می‌فرمایند: «من به خاطر برکت وجود پدرم توانستم شروع کنم.»^۹

در جای دیگر می‌فرمایند: «درس خارج را نزد مرحوم آیت‌الله العظمی میلانی قدس سره که مرد ملا و محقق و از مراجع تقلید مشهد بودند، شروع کردم و تا قبل از عزیمت به قم، یک سال در درس خارج اصول و دو سال‌ونیم در درس خارج فقه ایشان شرکت نمودم.»^{۱۰}

در کتاب شرح اسم در فصل هم‌مباحثه‌ها، از هم‌بحث ایشان مانند شیخ مهدی ربانی املشی سخن گفته می‌شود که باب صلاة را با یکدیگر

مقام معظم رهبری در کتاب گزارشی از سابقه تاریخی و اوضاع کنونی حوزه علمیه مشهد می‌فرمایند: «این دوران فترت و رکود بیش از چند سال به طول نینجامید که در سال ۱۳۷۳ ه. ق. آیت‌الله حاج سید محمدهادی میلانی که از شاگردان مرحوم میرزای نایینی و آقا حسین قمی و مرحوم شیخ محمد حسین اصفهانی معروف به کمپانی بود و در کربلا به تدریس و اقامه جماعت اشتغال داشت، به قصد زیارت به مشهد آمد و به خواهش جمعی از روحانیون در این شهر، اقامت گزید و به تدریس مشغول شد و از آن تاریخ حوزه مشهد رونقی تازه گرفت و در شمار حوزه‌های رایج شیعه درآمده است.»

خوانده بودند. مقام معظم رهبری در این باره می‌فرماید: «البته من [باب] صلاة را [قبلاً در] درس آقای میلانی [خوانده بودم].»^{۱۱}

رهبر معظم انقلاب در نماز جمعه ایرادشده در حرم امام خمینی (ره) (۱۴ خرداد ۱۳۷۸) درباره ورود به قم و جایگاه علمی مرحوم امام خمینی (ره) بیانی دارند که در بین آن از عظمت آیت‌الله‌العظمی میلانی در مشهد سخن می‌گویند:

«این شخصیت [امام خمینی (ره)] دارای ابعاد گوناگون، هیچ اصرار و عجله‌ای نداشت که آن زیبایی‌ها و درخشندگی‌های وجود خود را به رخ کسی بکشد... استادی که طلاب جوان و مشتاق را در وهله اول به خود جلب می‌کرد، همین مردی بود که آن روز در میان شاگردانش به عنوان «حاج آقا روح‌الله» شناخته می‌شد. مجموعه

جوانان فاضل و درس‌خوان و پُرشوق در محفل درس او جمع بودند. ما در چنین فضایی وارد قم شدیم. او مظهر نوآوری علمی و تبخّر در فقه و اصول بود. بنده قبل از ایشان استاد بزرگی را در مشهد دیده بودم - یعنی مرحوم آیت‌الله میلانی - که از فقهای برجسته بود.»^{۱۲}

ایشان می‌فرمایند: «مدتی هم درس خارج حاج شیخ هاشم قزوینی رفتم. یعنی ایشان با اصرار خود ما یک

درس خارج (اصول) شروع کرد. مرحوم حاج شیخ هاشم با بحث وسیع همه اقوال را نقل می‌کرد و بعد رد می‌کرد... [اما] آقای میلانی... بسیار خوش‌تقریر و ضمناً دارای نظرات جدیدی هم بود و ترجیح داشت بر درس مرحوم حاج شیخ هاشم.»^{۱۳}

رهبر معظم انقلاب در جایی به حق استادی ممتد آیت‌الله میلانی نسبت به خود تأکید می‌کنند. در تاریخ ۹ دی ۱۳۹۵ در حاشیه همایش بزرگداشت چهلمین سال درگذشت آیت‌الله‌العظمی میلانی، مرقومه رهبر معظم انقلاب ذیل نامه آیات سید علی میلانی و سید فاضل میلانی که در رابطه با برگزاری این همایش خدمت معظم‌له تقدیم شده بود، قرائت شد که بدین شرح است:

«این جانب با تجلیل از آن بزرگوار که بر

گردن این جانب حق استادی ممتد و محبت پدران دارند، کاملاً موافقم و هر خدمتی که از دست این جانب برآید، دریغ نخواهم کرد، ان شاء الله. سید علی خامنه‌ای»^{۱۴}

مقام معظم رهبری در کتاب روایت آقا از خاطرات درس آیت‌الله میلانی می‌فرمایند:

«اولین درس خارج من، درس مرحوم آیت‌الله میلانی بود. ایشان، هم ملّا و محقق و هم در مشهد آبرومند و معروف و هم با پدرم خیلی

بعضی از بزرگان هستند که اگر به شهرهای دیگر بروند، وجودشان در آن جاها انفع از قم خواهد بود. حتی درباره بزرگان هم چنین چیزی وجود دارد. خوب، یک نفر مثل آیت‌الله میلانی رضوان‌الله‌تعالی علیه، از کربلا که دم گوش نجف بود و مثل ایشان در نجف و کربلا تعداد زیادی بودند، پاشد آمد مشهد و حوزه علمیه بزرگی را به وجود آورد. این، یک واقعیت است. حقیقتاً از برکات الهی برای حوزه مشهد، وجود آیت میلانی بود.

دوست بود. آقای میلانی و پدرم هم سن و دوست دوران مکتب خانه بودند. برخوردشان با هم، برخورد رفاقت آمیز دوران کودکی بود. پدرم تأکید کرد که من درس ایشان بروم. گاهی هم که پدر و آقای میلانی به همدیگر می رسیدند، درباره من صحبت می کردند و آقای میلانی از من تعریف می کرد و این نوع برخورد، مشوق من بود. من یک سال درس اصول آقای میلانی و دو سال ونیم درس فقه ایشان شرکت کردم و بعد در سال ۳۷ به قم رفتم. درس آقای میلانی طبعاً میدان جدیدی بود. با آقا خیلی در موضوع درس صحبت می کردیم. با خود آقای میلانی هم مواردی اتفاق افتاده بود که بروم از ایشان سؤالی بپرسم یا اشکال کنم. اما با آقا از این جهت زیاد گفتگو داشتیم. شب ها که درس آقای میلانی تمام می شد مصادف بود با ساعتی که پدرم از حرم به طرف منزل برمی گشت. یک قرار قهری بین من و پدرم شده بود که اگر ایشان زودتر می آمد و می دید درس برقرار است، مقداری تأمل می کرد که من برسم اگر هم من زودتر می آمدم، منتظر ایشان می شدم که از حرم بیایند و با هم به خانه برویم. در بین راه، من درس آقای میلانی را تقریر می کردم و آقا با من بحث می کرد. یکی از کارهای بسیار جالب و مفیدی که ایشان نسبت به کار درسی من داشت که دنباله همان روند پیگیری های دلسوزانه و پدرانۀ ایشان نسبت به من بود، همین بود که رها نمی کرد،

سؤال می کرد: «چه خواندی؟ آقای میلانی چه گفت؟» اشکال می کرد و می خواست من در مورد مطلب ایشان فکر کنم. از جمله آن شبی که آقای میلانی بحث «الصلاة فی اللباس المشکوک» را شروع کرده بود، من درس را برای پدرم گفتم. آقا گفت: من یک جزوه خوب درباره لباس مشکوک دارم که می دهم نگاه کنی. به منزل که رسیدیم، ایشان در میان کاغذهای شان گشتند و جزوه ای را درآوردند که تقریرات درس مرحوم نایینی بود. البته در آخر مکاسب مرحوم شیخ موسی خوانساری که تقریرات مرحوم نایینی است، جزوه کوچک چاپ شده که همین بحث و به قلم خود آقای نایینی و بسیار پیچیده است. اما این جزوه، آن نبود. این، جزوه ای مفصل تر - شاید سه چهار برابر - و تقریرات درس مرحوم میرزای نایینی به قلم شیخ موسی خوانساری بود. آقا گفتند این را بگیر مطالعه کن. من نگاه کردم و دیدم عیناً درس آقای میلانی است؛ یعنی آن درس شب اول آقای میلانی را عیناً آنجا خواندم. از آن شب به بعد، من آن جزوه را پیش مطالعه می کردم و درس آقای میلانی می رفتم. کاملاً برای من روشن گر و خوب بود. این جزوه، خیلی به درد طلبه ها می خورد. خطی بود به دست خط مرحوم میرزا احمد اهری و اخیراً چاپ شد. در کنار درس های خارج دیگر، مقداری هم درس پدرم بودم... البته چون این درس خارج در خانه بود وقت های مان نامنظم می شد و در مجموع یک درس خارج

مرتب و منظمی با آقا نخواندم... خلاصه تا سال ۱۳۳۷ که در مشهد بودم اساتید عمده من آیت الله میلانی، مرحوم کفایی، مرحوم حاج شیخ هاشم قزوینی و از همه بیشتر و دلسوزانه تر پدرم بودند.^{۱۵}

مقام معظم رهبری در جای دیگری اشاره می کنند که به خاطر ضعف بینایی پدرشان به توصیه مرحوم آقا ضیاء آملی قصد بازگشت به مشهد را داشتند که آیت الله حاج شیخ مرتضی حائری ایشان را از بازگشت منع کردند و به اقامت در قم توصیه نمودند. ایشان در این باره اظهار می دارند:

«شاید حاج آقا مرتضی خیال می کرد که من تحصیلاتم متوقف می ماند؛ درحالی که اینجور نبود. در مشهد استادی مثل آقای میلانی حضور داشت و حوزه، برقرار بود. من هم بعد از بازگشت، سال ها درس آقای میلانی رفتم. خلاصه نتیجه این شد که رفتم مشهد و سال ها هم

مشهد ماندم و خدای متعال توفیقات زیادی به من داد. مشهد که آمدم در اندک مدتی خدای متعال، محبت مشهد را در دل من قرار داد، وقتی آمدم از همه چیز مشهد خوشم آمد؛ حتی از لهجه و از حرف زدن مردم. این کار خدا بود با اینکه قبلاً حاضر نبودم مشهد زندگی کنم؛ اما بعد که مشهد ساکن شدم، محبت مشهد در دل من

آن چنان شد که الآن فکر می کنم بهترین جاهای دنیا برای ماندن، مشهد است.^{۱۶}

۶. شهریه آیت الله میلانی و تقسیم محترمانه

مقام معظم رهبری نسبت به تشکیلات مالی حوزه و شهریه ها می فرمایند: «شهریه های عمومی حوزه علمیه مشهد بدین قرار است: ... شهریه آیت الله سید محمد هادی میلانی (مقیم مشهد) ماهیانه ۱۵۰ ریال برای عموم. و شهریه های خصوصی بدین قرار است: ... شهریه آیت الله میلانی به طلابی که در تشکیلات مدرسه ایشان وارد می باشند یا در درس ایشان شرکت می کنند، ماهیانه ۲۵۰ تا ۱۰۰۰ ریال. آیت الله قمی و آیت الله میلانی هر یک جداگانه به فضلاء حوزه و محصلین با سابقه، شهریه های دیگری نیز می دهند که دارای میزان معینی نیست و به حسب امتیاز فضلی افراد متفاوت می باشد.^{۱۷}

آیت الله میلانی «ماهی ۵۰ تومان به طلاب فاضل درس خودش می داد و بعدها این برای طلاب فاضلی که تدریس هم می کردند، شد ۱۰۰ تومان.^{۱۸}

در کتاب شرح اسم درباره جریان تولد نخستین فرزند مقام معظم رهبری آمده است: «در این اوان همسرش

در سابق آقایان راه می افتادند و به حوزه های بزرگ می رفتند؛ اما گاهی یک حوزه بزرگ، در جایی به وجود می آید. همچنان که در مشهد، مرحوم آیت الله میلانی، در واقع حوزه مشهد را از کمی بالاتر از صفر، به یک حوزه مأمور و آباد تبدیل کرد! مشهد که درس خارج نداشت؛ یعنی یکی دو درس به اسم درس خارج بود؛ اما درس خارج نبود

باردار و نخستین فرزندشان در آستانه تولد بود. همه چیز برای شنیدن صدای سلامتی نوزاد فراهم بود جز پول. چه باید می کرد؟ تکیه ای جز ماهیانه آقای میلانی نداشت. او هر ماه یکصد تومان که میان پاکتی جای داده شده بود دریافت می کرد نه بیشتر».

۸. اوصاف علمی، اخلاقی و معنوی و بینش سیاسی آیت الله میلانی

اخلاص و خدابینی از اوصاف معنوی آیت الله میلانی بود و در این باره چنان عمل می کرد که گویی خدا را در همه کارهایش آشکارا مشاهده می کند. هیچ گاه نمی شد که وسوسه و خودنمایی در کارهایش راه یابد و با اینکه در عصر خود از مراجع بزرگ و جامع الشرایط تقلید بود، اما همیشه می فرمود: من راضی نیستم نام مرا ببرید. مقام معظم رهبری در خاطرات خود از ایشان این چنین یاد می کنند:

«برای ایشان خیلی احترام قائلم. شخصیت احترام انگیزی بود. مردی بود ملا و کاملاً درس خوانده؛ آدمی بود جامع، خوش ذوق، اهل تاریخ، اهل شعر، اهل رجال، اهل مسایل عرفانی و معنوی... اهل فلسفه؛ هم فقیه خوبی بود و هم مدرسی قوی... مردی بود بسیار ملایم و خیلی محترم. برخوردش غالباً احترام انگیز و توأم با پختگی، توأم با مهربانی و نرمی... ایشان افزون بر اینها یک جنبه روشنفکری هم داشت... سیاستمدارهای متمایل به آزاداندیشی و آزادمنشی به ایشان تمایل داشتند... تمایلات جبهه ملی به

مقام معظم رهبری می فرمایند: «مقسم بنده را پیدا می کرد کنار خیابان و با لحن خیلی محترمانه می گفت آقا تشریف بیاورید این کنار. پاکت ها را از جیبش در می آورد و می گشت پاکتی را که اسم من پشت آن نوشته شده بود، پیدا می کرد و می داد. این نوع، تقسیم پول... محترمانه ای بود که دیگران چنین تقسیمی نداشتند و آقای میلانی داشت».^{۱۹}

۷. برگزاری امتحان در مدرسه آیت الله میلانی

۷. برگزاری امتحان در مدرسه آیت الله میلانی

مقام معظم رهبری در کتاب گزاشی از سابقه تاریخی و اوضاع کنونی حوزه علمیه مشهد، نسبت به امتحان می فرمایند:

«امتحان به شکلی که در سیستم فرهنگی وجود دارد، در حوزه علمیه مشهد معمول نیست. آنچه در این حوزه به عنوان امتحان می توان از آن نام برد، امتحانی است که در بعضی از مدارس برای پذیرش محصل مقرر شده است و معمولاً به وسیله چند نفر از فضلاء همان مدرسه انجام می گیرد. این امتحان در هر یک از مدارس، مستقل و بی ارتباط مدارس دیگر است، ولی

ایشان نسبت داده می‌شد، اگرچه ایشان به من، اول ۴۲ که از قم آمدم مشهد و پیغام آقای خمینی را برای ایشان آوردم... گفتند که من راضی نیستم که مرا به جبهه ملی نسبت دهید... در کار سیاست و مبارزه، آدم تند و حاد و قاطعی نبود.^{۲۱}

همچنین در جای دیگری می‌فرمایند: «آقای میلانی، روشن‌بین و پخته و وسیع‌نگر بود.»^{۲۲}

ایشان نسبت به جایگاه مرجعیت آیت‌الله میلانی در دیدار با اعضای کنگره بزرگداشت مرحوم حاج ملاعلی‌آخوند همدانی در ۳ مرداد ۱۳۷۷ به مناسبتی اظهار داشتند:

«آن وقت [که] بنده در مشهد بودم؛ در خود مشهد، مرحوم آقای میلانی جزو مراجع و در حد مراجع بود؛ لیکن مشهد، یک شهر درجه اول دنیای اسلام بود -شهر بزرگ و حوزه علمیه بزرگ- نمی‌شد از کسی به خاطر اقامت در مشهد، تمجید کنیم.»^{۲۳}

۹. حمایت از نهضت مرحوم امام خمینی

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای نسبت به وقایع پانزده خرداد و تأثیر آن و جایگاه آیت‌الله‌العظمی میلانی می‌فرمایند: «حادثه ۱۵ خرداد کشور را متأثر ساخت. این حادثه در مشهد دارای بازتاب وسیعی بود. حوزه علمیه مشهد و از جمله آیت‌الله سیدمحمدهادی میلانی که خانه ایشان مأمن نیروهای انقلابی بود از وقوع چنین حوادثی در کشور اظهار ناراحتی کردند. آیت‌الله‌العظمی میلانی

ازجمله مراجع مهاجر به تهران که به منظور آزاد کردن علمای دستگیرشده پس از قیام ۱۵ خرداد سال ۴۲ از مشهد به تهران رفته و در حمایت از آنان نقشی مؤثری را در بین علمای مهاجر -که از سراسر ایران، به تهران آمده بودند- ایفا کردند. در آن سفر اقداماتی مانند صدور اعلامیه و فتوا در مناسبت‌های مختلف و تأیید مرجعیت امام خمینی و تحریم انتخابات دوره بیست‌ویکم مجلس شورای ملی صورت گرفت.»^{۲۴}

آیت‌الله میلانی پس از یکصد روز توقف در تهران با اجبار ساواک در تاریخ ۱۵ مهر ۱۳۴۲ به مشهد بازگشت و به این ترتیب مهاجرت او با نتایج اساسی که در پی داشت، به پایان رسید.

این سفر بر جایگاه و مقام ایشان در نزد مردم افزود. مقام معظم رهبری نسبت به این موضوع می‌فرمایند: «پس از آمدن آقای میلانی به مشهد که به‌طور مخفیانه از سوی رژیم صورت گرفت، وجهه ایشان در مشهد خیلی بالا گرفت و این سفر و درخشیدنش در این سفر بر وجهه مردمی او افزود. میلانی در تهران، برترین شخصیتی بود که وجود داشت در بین علمای مهاجر، هم عقلاً و هم از لحاظ متانت و از لحاظ گسترش فکری با دیگران تمایز زیادی داشت.»^{۲۵}

در کتاب شرح اسم آمده است بیشتر شرکت‌کنندگان در خانه آقای قمی برای پیدا کردن راهی که نشان از اعتراض به تبعید آقای خمینی باشد، به خانه آقای میلانی

در منزل ایشان تشکیل شد. موضوع جلسه معلوم نبود. احتمال داده می‌شد که آیت‌الله میلانی در آن مجلس در مورد امکان پذیرنبودن مبارزه و بی‌فایده‌بودن آن صحبت کند؛ ازاین‌رو ما پیش از جلسه رفتیم پیش آقای شیخ مجتبی قزوینی از علمای بزرگ و مبارز و محبوب مشهد و احتمال مورداشاره را با ایشان در میان گذاشتیم و قرار شد که اگر آیت‌الله میلانی چنین مطالبی را طرح کردند، آقا شیخ مجتبی مخالفت کنند و ما هم از اطراف جلسه ایشان را کمک دهیم لکن برخلاف تصور ما آیت‌الله میلانی نامه‌ای را که برای امام به مقصد ترکیه نوشته بودند در آن جمع مطرح کردند که در آن نامه به مبارزه با رژیم طاغوتی پهلوی تأکید شده بود. این نامه با آن محتوای قوی و محکم باعث خوشحالی ما شد و روح تازه‌ای در کالبد مبارزان دمید و سبب شروع حرکت‌های زیرزمینی و مخفیانه علیه رژیم شد.^{۲۷}

۱۰. ارتباط دوطرفه امام خمینی و آیت‌الله میلانی

در کتاب شرح اسم در فصل زندان اول آمده است، پس از حوادث خونین مدرسه فیضیه در ۲ فروردین ۱۳۴۲ و نزدیکی ماه محرم، مرحوم امام خمینی نامه‌ای برای علما نوشتند. این بار مقام معظم رهبری موظف شد پیام امام

رفتند. آقای خامنه‌ای و هم‌فکران او با حاج شیخ مجتبی قزوینی هماهنگ شده بودند که اگر آقای میلانی خواست بدون اصطکاک از کنار موضوع بگذرد واکنش نشان دهند. «برخلاف انتظار، آقای میلانی اولاً خیلی خوب صحبت کرد. ازجمله جلساتی که آقای میلانی بسیار فصیح و متین و شمرده و خوب صحبت کرد آن جلسه بود... مرد خوش‌تقریری بود. آنجایی که مطلب بر طبق میل و ذوقش بود خیلی شمرده و زیبا و با صدای بمی که داشت، حرف می‌زد.»

آیت‌الله میلانی سپس نامه‌ای را که به امام خمینی نوشته بود برای حاضران خواند. نامه‌ای بود خوش‌لحن، محکم و خوش‌معنا. «ما پُر در آوردیم. واقعاً همه از ته دل از آقای میلانی ممنون شدیم. دیگر جایی برای آن پیش‌بینی‌هایی که کرده بودیم، باقی نماند.»^{۲۸}

همچنین بعد از تبعید امام خمینی که به خاطر موضع‌گیری ایشان نسبت به امتیاز ننگین کاپیتولاسیون، رژیم ستم‌شاهی

در تاریخ ۴ آبان ۱۳۴۳ امام خمینی را به کشور ترکیه تبعید کرد، آیت‌الله میلانی از مراجع تقلید، اجتماع بزرگی را در منزل خود شکل می‌دهد. مقام معظم رهبری واقعه را این طور نقل می‌کند: «اجتماع بزرگی از علمای مشهد به دعوت آیت‌الله میلانی

درس خارج را نزد مرحوم آیت‌الله العظمی میلانی قدس سره که مرد ملا و محقق و از مراجع تقلید مشهد بودند، شروع کردم و تا قبل از عزیمت به قم، یک سال در درس خارج اصول و دو سال و نیم در درس خارج فقه ایشان شرکت نمودم.

را به مشهد برد و به علمای آن شهر برساند. پیام‌های شفاهی آیت‌الله خمینی، توسط افراد ثقه برده می‌شد.

مقام معظم رهبری در این موضوع می‌فرماید:

«امام از من خواستند که به مشهد بروم و یک پیام برای آقای میلانی و آقای قمی و پیام دیگری برای علمای مشهد ببرم. پیام امام به علمای مشهد این بود که آماده باشید برای مبارزه با صهیونیسم که دارد بر اوضاع کشور مسلط می‌شود. اسراییل بر همه امور سلطه پیدا کرده است، امور اقتصادی کشور دست اوست و سیاست ایران را در مشت خود دارد. پیامی که برای آقای میلانی و قمی دادند این بود که به منبری‌ها بگویند که از روز هفتم محرم در منابر، روضه فیضیه را بخوانند و از روز نهم، همه دسته‌های سینه‌زنی هیئت‌ها، این برنامه را اجرا کنند... پیام اول امام را به عده‌ای از علمای مشهد رساندم. هر کسی یک عکس‌العملی از خود نشان داد، تنها کسی که این پیام را درست گرفت و درست درک کرد، مرحوم آیت‌الله شیخ مجتبی قزوینی بود. او خود مردی مبارز بود و نسبت به امام اظهار ارادت می‌کرد. پیام دوم را نیز به آقایان میلانی و قمی رساندم. البته نظر آقای میلانی این بود که روضه برای فیضیه از روز نهم شروع شود. من گفتم هفتم مناسب‌تر است برای این که روز نهم روز سینه‌زنی و زنجیرزنی است و مردم پای منابر

کمتر حضور پیدا می‌کنند و منبری‌ها باید از روزهای قبل، مردم را آماده کنند... آقای قمی برنامه امام را پذیرفتند و اعلام آمادگی کردند و بدین‌ترتیب امام توانستند از محرم آن سال برای بیداری ملت ایران و شورانیدن آنان بر ضد دستگاه و گسترش دامنه نهضت و مبارزه، بهترین بهره‌برداری‌ها را به عمل آورند و فاجعه فیضیه را مستمسک قرار دهند برای هیجان عظیم و روزافزون مردم و این شور و هیجان مردمی در پانزده خرداد به اوج خود رسید...»^{۲۸}

همچنین در ماجرای لوایح شش‌گانه ۱۹ دی ۴۱ و ششم بهمن ماه که پهلوی آن را روز، فراندوم عمومی اعلام کرده بود، مقام معظم رهبری ماجرا را این گونه بازگو می‌کنند:

«دیگر مسئله‌ای نداشتیم، لیکن ناگاه شاه موارد شش‌گانه را به فراندوم گذاشت. در روزهایی که مسئله فراندوم شاه مطرح شد، من در مشهد بودم، چون نزدیک ماه رمضان بود. آقای میلانی نامه‌ای برای آقای خمینی داشت. آن نامه را من به اتفاق اخوی، سید محمد، و شیخ علی آقا به قم بردیم. وقتی رسیدیم به تهران، روز ششم بهمن بود و روز قبل از آن، شاه در قم سخنرانی کرده بود...»^{۲۹}

مقام معظم رهبری در مصاحبه با صداوسیما پس از مراسم تحلیف در ۱۳۶۰/۷/۱۹ می‌فرمایند که در محرم همان سال، امام قدس سره آیت‌الله خامنه‌ای را مأمور می‌کنند تا پیام ایشان را به آیت‌الله میلانی برسانند:

«سال ۴۲، پس از جریان مدرسه فیضیه

۱۲. مذاکره علامه سمنانی با آیت‌الله میلانی

مقام معظم رهبری در دیدار با جمعی از اساتید و فضلا و طلاب نخبه حوزه علمیه قم در تاریخ دوم آبان ۱۳۸۹ که در مدرسه فیضیه برگزار شد، فرمودند:

«از جمله چیزهایی که لازمه حوزه علمیه است، ارتباط فعال با جامعه ملی درون کشور و جامعه فراملی است که دیدم در بیانات بعضی از آقایان هم بود. حوزه علمیه باید با حوزه‌های علمیه عالم و با حوزه‌های علمیه داخلی ارتباط علمی پیدا کند. در گذشته با اینکه ارتباطات این همه دشوار بود، علما از راه‌های دور با هم ارتباط برقرار می‌کردند. مرحوم ابن‌ادریس در سرائر خود می‌نویسد که فلانی - اسم آن شخص یادم نیست - یک فتوایی داده بود، من به او نامه‌ای نوشتم، او جواب من را نوشت، من قبول نکردم. در گذشته نامه می‌نوشتند، نظر علمی را مطرح می‌کردند، این عالم آن نظر علمی را رد می‌کرد، گاهی از هم سؤال می‌کردند. مرحوم علامه سمنانی چند تا مسئله فقهی را از مرحوم آیت‌الله میلانی مکتوب سؤال کرده بود. ایشان هم یک جوابی دادند، ایشان هم بحث کردند؛ جزوه شده، چاپ شده. این کارها کارهای رایجی بود، امروز هم بسیار لازم است، به خصوص با این وسایل ارتباطات جدید».^{۳۲}

بود. امام به کلیه شهرهای ایران، به علمای‌شان و به علمای معروف و موجه‌شان پیغام داده بودند که محرم را به صورت یک فصلی برای شورش عمومی مردم علیه نظام حکومتی تبدیل کنند و دریاورند [...] به هر حال حامل رسالتی شدم از طرف امام برای مرحوم آیت‌الله میلانی و بقیه علمای مشهد که این کار باید انجام گیرد».^{۳۰}

۱۱. احترام آیت‌الله میلانی به علامه جعفری

جایگاه ویژه آیت‌الله میلانی آن قدر بالاست که برای عظمت‌بخشیدن علامه جعفری، مقام معظم رهبری می‌فرماید که ایشان مورد احترام بزرگان ما مانند مرحوم آقای میلانی بودند.

در خاطرات رهبر انقلاب اسلامی از اولین دیدارشان با علامه جعفری آمده است: «در آقای جعفری رحمته خصوصیات برجسته‌ای بود که به نظر من همه اینها برای نسل جوان و پژوهنده و اهل علم و تحقیق الگوست. ایشان آن وقتی که کارهای تحقیقی خودشان را شروع کردند، خیلی جوان بودند. البته من حدود سال‌های سی و چهار و سی و پنج بود که ایشان را شناختم. ایشان تازه از نجف آمده بودند و جوان و فاضل و اهل تحقیق و فعال و پرشور و مورد احترام بزرگان ما - مانند مرحوم آقای میلانی و بعضی از آقایان دیگر در مشهد - و نیز مورد احترام طلاب بودند».^{۳۱}

۱۳. خاطره‌ای از تلاش آیت‌الله میلانی برای تحول در حوزه نجف

رهبر معظم انقلاب در تاریخ دوم اسفند سال ۱۳۷۰ در دیدار با آیت‌الله العظمی گلپایگانی رحمته از تحول در حوزه سخن می‌گویند و خاطره‌ای را نقل می‌کنند: «بزرگان ما در گذشته به این مسایل و نیازهای روز واقعاً خیلی توجه نداشتند. مرحوم آقا سید حسن تهامی که از شاگردان خوب مرحوم میرزا و هم‌عرض و هم‌قران با آقای خویی و آقای میلانی و ملای حسابی بود، می‌گفت که ما ۱۲-۱۰ نفر شدیم - که اسم آقای خویی و آقای میلانی و مرحوم آسید علی‌مدد قاینی و خودش و چند نفر دیگر را می‌آورد- و بعد از این که مرحوم میرزا فوت کرد، چند صباحی دور و برِ مرحوم آسید ابوالحسن [اصفهانی] رفتیم و گفتیم که ترتیبی به حوزه داده شود؛ طلبه‌ها از مسایل جدید مطلع شوند و احیاناً زبان خارجی بخوانند. آن وقت‌هایی بود که تازه این افکار اروپایی‌ها راه افتاده بود و به همه‌جا می‌آمد. ایشان می‌گفتند که جلسه اول مرحوم سید از حرف ما استقبال کرد. اما جلسه دوم که برای نتیجه‌گیری رفتیم، به نتیجه نرسیدیم! ایشان می‌گفتند که بین بیرونی و اندرونی سید، اتاق کوچکی بود که اتاق نشستن خود ایشان بود؛ دیدیم در باز شد و درحالی که عبا روی دوشش نیست و دکمه‌های قبایش را هم نبسته است - پیدا بود که برای نشستن نیامده بود- وارد جمع ما شد. ما بلند شدیم

و احترام کردیم؛ گفت نه، من داخل نمی‌آیم؛ خواستم همین قدر بدانید که این وجوهاتی که من می‌دهم، ملک شخصی من است؛ برای این که من قبلاً قرض می‌کنم و شهریه را می‌دهم؛ بعد که وجوهات می‌آید، قرضم را ادا می‌کنم؛ بنابراین آن وقتی که این شهریه داده می‌شود، ملک شخصی من است که داده می‌شود و من راضی نیستم که جز فقه و اصول، طلبه به کار دیگری اشتغال داشته باشد و بخواهد شهریه بگیرد. این را گفت و در را بست و رفت! حالا در این فاصله یک هفته، ده روز چه کسی خدمت ایشان رفته بود و چه گفته بود، آدم نمی‌داند!»^{۳۳}

۱۴. ارتباط شهید سپهبد قری با آیت‌الله میلانی

مقام معظم رهبری نسبت به زندان قزل‌قلعه و آقای قری که در آنجا با ایشان زندانی بود، می‌فرمایند: «بعدها که ما از زندان آمدیم بیرون می‌گفتند که قری، آدم مورد اطمینانی نیست و با خود دستگاه مرتبط است... لکن ما با قری بعدها بیشتر نزدیک شدیم، دیدیم، نه این صحت نداشته، منتها چون اساس کار، اساس قوی‌ای نبود و کودتا به معنای واقعی خودش نبود؛ [و فعالیت‌های او] در رابطه با بیت آقای میلانی [و] کارهای آخوندی... انجام گرفته بود، نه در داخل دستگاه نظامی... آن بود که... سه سال او را زندان کردند... جزایری دو سال و [خباز باشی] ... یک سال زندان

که خطبه عقد مقام معظم رهبری توسط آیت‌الله‌العظمی میلانی خوانده شده است.

۱۷. اجازه امور حسبيه و نقل حدیث آیت‌الله میلانی به مقام معظم رهبری

نوشتن اجازه روایت برای یک طلبه بیست‌ساله توسط مرجع تقلید نام‌داری همچون آیت‌الله میلانی و پاسخ‌دادن به نامه‌های وی از عمق علاقه و اعتماد علمی و عملی آن فقیه والامقام به شاگرد فاضل و بزرگوار خود حکایت دارد.

متن اجازه امور حسبيه و نقل حدیث آیت‌الله‌العظمی میلانی به مقام معظم رهبری به شرح ذیل است:

«بسم الله الرحمن الرحيم. الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على خير خلقه وأشرف بريته وآله الطيبين الطاهرين و اللعن على أعدائهم أجمعين، و بعد: فقد استجاز مني علم الاعلام، ذخر الايام، قدوة الفضلاء الكرام، غياث الاسلام، الحاج السيد على الخامنه‌ای دامت مكارمه، فأجزته في أن يروى عنّي جميع ما صحت لي روايته بحق اجازتي عن مشايخي العظام، و ان منهم العلامة آية الله السيد حسن الصدر العاملي، و منهم العلامة آية الله السيد عبدالحسين شرف الدين العاملي، و منهم العلامة المحدث الحاج الشيخ عباس القمي، و غيرهم من الاساطين، و لكل من هؤلاء العظماء طرق متعددة، و يجتمعون في الرواية عن العلامة النحرير، ثالث المجلسيين، آية الله الميرزا

شدند... جزایری که از زندان آمد بیرون به‌کلی مبارزه را کنار گذاشت. قبل از آن هم در مبارزه به آن معنا وارد نبود. در رابطه با آقای میلانی کارهایی داشت و گاهی از تهران می‌آمد مشهد و می‌رفت.»^{۳۴}

۱۵. ارتباط آیت‌الله طالقانی و آیت‌الله میلانی

ایشان درباره ملاقات با آیت‌الله طالقانی می‌گویند:

«هر وقت که من زندان نبودم به دیدارشان می‌آمدم و در زندان از پشت میله‌ها صحبت می‌کردیم. پیغام‌هایی داشتند برای آقای میلانی در مشهد و برای جریان‌هایی که غالباً در آنها شرکت داشتیم. بعد هم که از زندان بیرون آمدم، تماس‌های زیادی داشتیم.»^{۳۵}

۱۶. علاقه دوطرفه آیت‌الله میلانی و مقام معظم رهبری

رهبر معظم انقلاب درباره چگونگی رابطه خود با آیت‌الله میلانی می‌فرماید:

«مرحوم آقای میلانی مرا شاگرد نزدیک به خودشان می‌دانستند. من هم واقعاً به آقای میلانی ارادت داشتم. در سال ۱۳۳۷ که می‌خواستم از مشهد به قم بروم ایشان برای من اجازه روایتی نوشتند. وقتی هم که به قم رفتم از آنجا با ایشان مکاتبه می‌کردم و ایشان هم برای من نامه می‌نوشتند، با اینکه من کم سن و سال بودم اما ایشان خیلی به من لطف داشتند، خیلی زیاد.»^{۳۶} گفتنی است، در کتاب شرح اسم^{۳۷} آمده

حسین النوری رحمته، و قد ذکر طرقه فی خاتمة کتابه القيم مستدرک الوسائل. ثم انی قد أذنت و أجزت للمولى المعظم اليه فى أن يتصدى الأمور الحسبيه بأنواعها و أصنافها التى قد تبينت لديه جهاتها الحكمية و الموضوعية، و فى أن يقبض سهم الامام عليه الصلوة والسلام، و أوكلت إلى نظره الشريف اىصال النصف إلى ما يناسبه من المصارف، و ليراجعنى فى النصف الآخر منه. و كذلك أذنت و أجزت له فى أن يأخذ سائر الوجوه والحقوق الشرعية، و يصرف كلا منها فى ما يناسبه من المصارف حسب الموازين المقررة فى الشريعة، و عهدى إليه فى كلما ذكرته أن يأخذ بالحائطة كما هو المترقب منه دامت مكارمه، و استدعى أن يذكرنى فى خلواته بصالح دعواته، إنه سبحانه و تعالى سميع مجيب. ۱۳ ذیحجة الحرام ۱۳۸۰ هجرى».^{۳۸}

۱۸. دوستی آیت الله میلانی با پدر مقام معظم رهبری

در کتاب روایت آقادر قسمت دیگر یاران و دوستان، اولین نفر سخن از آیت الله العظمی میلانی می گردد، در اینجا مقام معظم رهبری می فرماید:

«آقا با مرحوم آقای میلانی از دوران مکتب خانه در تبریز و دوران طلبگی در نجف دوست و رفیق بودند. از وقتی که آقای میلانی به مشهد آمدند، پدرم با ایشان رفت و آمد داشتند و مکرر اتفاق افتاده بود که آقای میلانی صبح زود و تنها به منزل

پدرم می آمد و می نشستند با هم صحبت می کردند. یک بار آن، مرحوم آیت الله میلانی و آیت الله منتظری با هم منزل پدرم بودند. یادم است که بحثی درگرفت و به آیه ای استناد کردند و مرحوم آقای میلانی گفت که در اسلام نقایص وجود ندارد. آن روزهایی که آقای میلانی تازه به مشهد آمده بود و علما به دیدن ایشان می رفتند، من هم - که نوجوان بودم - با مرحوم پدرم به دیدن ایشان رفتیم. فراموش نمی کنم، استاد بزرگ و عالم نام آور و بی نظیر حوزه مشهد، مرحوم آیت الله حاج شیخ مجتبی قزوینی جلوی ایشان نشسته بود و طلبکارانه از ایشان می خواست و اصرار می کرد که شما در مشهد بمانید. درواقع مرحوم حاج شیخ مجتبی، ایشان را در مشهد نگه داشت. بعدها که ریاست آقای میلانی گسترش پیدا کرد و مراجعاتش زیاد شد، دیگر معاشرت آقا و ایشان کم شد؛ پدرم که اصلاً نمی رفت؛ ایشان هم وقت نمی کرد بیاید. نرفتن پدرم به خاطر این بود که آنجا دستگاه ریاست بود و اصلاً پدرم اهل نزدیک شدن به این جور جاها نبود و هر جا که شلوغ بود، نمی رفت. آقای میلانی هم به خاطر اینکه گرفتار بود، نمی توانست بیاید؛ لذا همدیگر را کم می دیدند.»^{۳۹}

۱۹. نمونه ای از مکاتبات مقام معظم رهبری با آیت الله میلانی

متن یکی از نامه های حضرت آیت الله خامنه ای به استادش که اخباری از حوزه

علمیه قم را دربرداشت، چنین است:

«از قم برای آیت الله میلانی

بسم الله تعالی

بشرف عرض مبارک می‌رساند

مرجو و مسئل از ساحت احدیت دوام وجود و بقای توفیقات آن حضرت است.

چندی قبل عریضه‌ای توسط آقای غروی حفظه الله به حضور مبارک تقدیم شد. قاعدتاً مشرف به دست‌بوس شده است. اخبار مهم هفته گذشته تشکیل مجلس جشن باعظمتی

از طرف حوزه علمیه و القای مطالب لازم بر طبق آنچه از آرای سرکار عالی مستفسر شده و استفاده کرده بودیم و به دنباله آن گرفتاری

سه نفر از خدمت‌گزاران مجلس بود که بحمدالله دو سه روز قبل پس از شش روز گرفتاری خلاص شدند. عملی‌شدن موضوع

اعزام مشمولین طلاب مشهد موجب اضطراب و دهشت اهل علم اینجا شده است. البته هنوز خصوصیات مطلب برای ما روشن

نیست. امید است به لطف خداوند و همت و اراده آیت‌اللهی این نگرانی رفع شده و موجبات آسایش فکر اهل علم حوزات علمیه

فراهم آید. در عریضه قبل درباره عزم سفر زاهدان خاطر مبارک را مستحضر ساختم.

فردا قبل از ظهر از قم حرکت کرده، و از راه یزد و کرمان عازم آن زاویه بعیده خواهم شد، ان شاء الله. البته با اوضاع حدیثه و اقتضائات

جدیده برنامه منابر و مطالب هم تفاوت یافته و بنده و دیگران در این جهت محتاج ارشاد حضرت عالی هستیم. اگر منتی بر

حقیر گذاشته و به جواب عریضه که حاوی مطلب مزبور باشد سرافرازم فرمایید، کمال تشکر را خواهم داشت. البته در این صورت به آدرس زاهدان توسط جناب آقای کفعمی ارسال خواهید فرمود.

با تقدیم احترامات فائقه

ارادتمند علی الحسینی الخامنه

۲۴ شعبان المعظم.^{۴۰}

۲۰. تغییر نگرش آیت‌الله میلانی به سیاست و آخرین دیدار

آیت‌الله خامنه‌ای که جهت سفر تبلیغی و آگاه‌ساختن مردم از حوادث پانزده خرداد به بیرجند رفته بود و پس از انجام سخنرانی درباره جنایات شاه در قم توسط شهربانی دستگیر و به زندان مشهد منتقل شده بود، پس از آزادشدن در مشهد با آیت‌الله میلانی ملاقات کرد و درباره حوادث پانزده خرداد با ایشان مذاکره نمود. ایشان می‌گویند:

«آیت‌الله میلانی از حوادث پانزده خرداد بسیار ناراحت و متأثر و افسرده بودند؛ زیرا اعتقاد داشتند در این حوادث، انقلابیون ضرر کرده‌اند، بدین مضمون که مهمترین نسل‌ها، جوانان و در بین آنها شایسته‌ترین‌شان، متدین‌ترین آنها هستند و در میان آنها کسانی که جرأت و شجاعت اقدام داشتند، در این حادثه کشته شده‌اند.»^{۴۱}

مقام معظم رهبری تعریف می‌کنند: «البته این منطق را همان وقت بنده که حُب طلبه‌ای بودم هیچ قبول نمی‌کردم

شاید با ایشان مقداری بحث هم می‌کردیم، ولیکن خُب، ایشان استاد بود، بزرگ بود [و من نمی‌خواستم] در بحث با ایشان گستاخی [نشان دهم].^{۴۲}

در کتاب شرح اسم آمده است آقای خامنه‌ای و معدود همفکران او در این اوان، دور هم می‌نشستند و برای چگونگی ادامه راهی که انتخاب کرده بودند، مشورت می‌کردند. اینان طلبه‌هایی بودند که در قم درس می‌خواندند و اینک به مشهد بازگشته بودند. شیخ محمد نهاوندی، و در برهه‌ای سیدمحمد، برادرش، از اعضای این جلسه بودند. در یکی از این جلسه‌ها به این نتیجه می‌رسند که به دیدار آیت‌الله میلانی بروند و از وی بخواهند اقدامی انجام دهد، اطلاعاتی دهد و یا هر کاری که به تحرک مردم بینجامد. زمان موعود، در کتابخانه آقای میلانی گرد آمدند و طبق قرار، آقای خامنه‌ای رشته سخن را به دست گرفت. «بنا کردم با ایشان بحث کردن که شما این کارها را می‌توانید بکنید و چرا نمی‌کنید؟ ایشان گفت: من کسی را ندارم. مردم با من نیستند... گفتیم: نه، مردم با شما هستند. گفت: نه... یواش‌یواش... عصبانی شدیم، ایشان هم یک خرده تند شد.»

در این بین خبر ورود آقای سید محمدرضا سعیدی را دادند. آمد. همچنان عمامه بزرگی به سر داشت. گرمش بود. چهارزانو دم در پهلوی آقای خامنه‌ای نشست و عمامه‌اش را

به زمین گذاشت. آقای خامنه‌ای سخنان خود را ادامه داد. «من و همه کسانی که با من ربط دارند، در اختیار شما هستیم. هر کاری که شما می‌خواهید بکنید به ما بگویید تا انجام بدهیم برای شما. آقای میلانی... رو کرد به من [و] گفت من هیچ احتیاجی به شما ندارم...»

آقای سعیدی در اینجا سرش را پیش آورد و گفت که خداوند می‌فرماید: هو الذی ایدک بنصره و بالمؤمنین؛ پیغمبر به مؤمنان نیازمند است؛ آیا شما نیازی به ایشان ندارید؟ آقای میلانی سکوت کرد و ادامه نداد. «این دیدار ... از دیدارهای سخت و تلخ ما با آقای میلانی بود.»^{۴۳}

۲۱. توصیف آیت‌الله میلانی در یکی از بازجویی‌های ساواک

در یکی از اسناد ساواک در مورد سؤال و جواب در یکی از بازجویی‌ها از مقام معظم رهبری آمده است: «س: نظر خود را درباره آیت‌الله حاج سید هادی میلانی بنویسید و روشن نمایید اعمال، رفتار و اقدامات ایشان از نظر شما صحیح است و مورد تأیید سرکار می‌باشد؟

ج: ایشان را هم مجتهد و عادل و از علمای طراز اول می‌شناسم. سال‌ها (در حدود شش یا هفت سال) به درس ایشان حاضر شده‌ام و صدها صفحه تقریرات درس ایشان را نوشته‌ام.»^{۴۴}

۲۲. توصیف آیت‌الله میلانی در دادگاه نظامی

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در دادگاه نظامی، در تاریخ ۲۱ دی ۱۳۴۹ در جواب اتهامات و در دفاع از خود فرمودند:

«... اولین جرم کنونی این‌جانب، تبلیغ به نفع آیت‌الله خمینی است و البته بدیهی است که منظور از این تبلیغ، ترویج مرجعیت ایشان است. اولاً سؤال می‌کنم که آیا ترویج مرجعیت کسی که از نظر تمامی کسانی که می‌توانند در این مورد اظهارنظر کنند جامع شرایط مرجعیت است، جرم می‌باشد؟ آیا کسی که آیت‌الله میلانی، که خود از علمای معروف و حتی به نظر بعضی در ردیف مراجع تقلید است، بارها پس از بردن نام وی گفته‌اند سلام‌الله‌علیه نباید به عنوان مرجع تقلید معرفی شود و اگر کسی او را به این عنوان معرفی کند باید تحت محاکمه قرار گیرد و به زندان کشیده شود؟ مگر مرجعیت یک روحانی به چه معنی است؟ جز این است که مردم در نماز و روزه و زکات و حج و معاملات به استنباط او از قرآن عمل می‌کنند؟ و آیا اگر کسی به دیگری یا به دیگران توصیه کرد که در این اعمال شرعی به نظر مرجع معینی عمل کنند، گناهی مرتکب شده است؟ رساله آیت‌الله خمینی که در آن این احکام و احکام مشابه آن ذکر شده، همان رساله آیت‌الله بروجردی است. چرا ترویج آن بی‌اشکال و بلکه راجح است و ترویج این جرم و گناه؟»^{۴۵}

۲۳. رؤیای صادقۀ مقام معظم رهبری درباره ارتحال آیت‌الله میلانی

شب درگذشت آیت‌الله میلانی، آقای خامنه‌ای در خواب، خود را برابر مسجدی در میان بازار مشهد دید. دو مرد که انگار فرشته‌اند، دو طرف مسجد ایستاده بودند. این مردها به اندازه‌ای بلندبالا بودند که او فقط پای آنان را می‌دید. فرش‌ها را جمع کرده بودند. مسجد در حال تعمیر بود. برخی سنگ‌های روکار دیوارها افتاده بود. زمین از خاک و سنگ پراکنده، فرش بود. امام جماعت آن مسجد آقای علم‌الهدی از شاگردان نزدیک آیت‌الله میلانی بود که ایشان را به امامت آن مسجد گمارده بود. وقتی بیدار شد، خوابش را برای هم سلولی‌ها باز گفت و اظهار داشت یا آقای علم‌الهدی یا آیت‌الله میلانی درگذشته‌اند.

مقام معظم رهبری این خاطره را این گونه توضیح می‌دهند:

«همین روز بود یا روز بعد، بردنم بازجویی، اتاقی غیر از اتاق همیشگی بازجویی. کاوه [=همایون کاویانی]، رئیس بازجوها در انتظارم بود. شروع به بازجویی کرد و یکی از چیزهایی که گفت این بود: لابد می‌دانی آقای میلانی هم مرده است! گفتم: از کجا باید بدانم؟ گفت: مرده است.»^{۴۶}

نتیجه‌گیری

آیت‌الله‌العظمی حاج سید علی خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی در بیانات خود

اوصاف متعددی برای آیت‌الله‌العظمی میلانی بیان فرموده‌اند که مهم‌ترین آنها عبارتند از: مرجع تقلید، فقیه برجسته، مجتهد، عادل، عالم طراز، ملاً و کاملاً درس‌خوانده، جامع، خوش‌ذوق، اهل تاریخ، اهل شعر، اهل رجال، اهل مسایل عرفانی و معنوی، اهل فلسفه، مدرسی قوی، بسیار ملایم، خیلی محترم، مهربان، روشنفکر، روشن‌بین، پخته، وسیع‌نگر، با محبت،

پی‌نوشت‌ها

۱. علی خراسانی، منشور حوزه و روحانیت: دیدگاه‌ها و بایسته‌های حوزه و روحانیت از منظر رهبر معظم انقلاب اسلامی آیت‌الله‌العظمی سید علی حسینی خامنه‌ای، ص ۳۸ و ۴۸.
۲. سیدعلی خامنه‌ای، گزارشی از سابقه تاریخی و اوضاع کنونی حوزه علمیه مشهد، ص ۲۹.
۳. بیانات مقام معظم رهبری در آغاز درس خارج فقه، ۲۰ شهریور ۱۳۷۳؛ مرتضی یقینی‌پور، حدیث آفتاب (سیری در حیات فقهی، سیاسی و اخلاقی رهبر معظم انقلاب اسلامی)، ص ۴۷.
۴. رک: عمیدالدین آیت‌الله‌العظمی میلانی، هفته‌نامه حریم امام آستان مقدس امام خمینی، شماره ۲۷۹، سال ۱۳۹۶.
۵. سیدعلی خامنه‌ای، گزارشی از سابقه تاریخی و اوضاع کنونی حوزه علمیه مشهد، ص ۴۵.
۶. همان، ص ۴۶ و ۴۷.
۷. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با آیت‌الله مظاهری و گروهی از مدرسین حوزه علمیه اصفهان (۱۳۷۵/۹/۱)؛ به نقل از نرم‌افزار

خوش‌تقریر، مأمن نیروهای انقلابی و از مجموع این اوصاف استفاده می‌شود، مقام معظم رهبری عنایت و توجه خاصی به ایشان داشته، طوری که کمتر دیده شده از علمای دیگر این طور تجلیل کنند. ایشان حضور آیت‌الله میلانی در حوزه علمیه مشهد را موجب تحول و برکاتی برای این حوزه می‌دانند.

- حوزه و روحانیت، ص ۷۷۱ و ۷۷۲؛ حسین خادمی، گذرگاه خاص الخاص، ص ۱۰۵.
۸. سیدعلی خامنه‌ای، گزارشی از سابقه تاریخی و اوضاع کنونی حوزه علمیه مشهد، ص ۸۲.
۹. هدایت‌الله بهبودی، شرح اسم: زندگی‌نامه آیت‌الله سید علی حسینی خامنه‌ای (۱۳۵۷ش-۱۳۱۸ش)، ص ۶۴.
۱۰. مرجعیت آیت‌الله خامنه‌ای از دیدگاه فقها و بزرگان، ص ۳۸ و مرتضی یقینی‌پور، حدیث آفتاب (سیری در حیات فقهی، سیاسی و اخلاقی رهبر معظم انقلاب اسلامی).
۱۱. هدایت‌الله بهبودی، شرح اسم: زندگی‌نامه آیت‌الله سید علی حسینی خامنه‌ای (۱۳۵۷ش-۱۳۱۸ش)، ص ۸۵؛ سایت دفتر حفظ و نشر آثار مقام معظم رهبری.
۱۲. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه در حرم امام خمینی؛ ۱۳۷۸/۳/۱۴.
۱۳. هدایت‌الله بهبودی، شرح اسم: زندگی‌نامه آیت‌الله سید علی حسینی خامنه‌ای

مطالعات تاریخی، سال پنجم، شماره ۲۱ (تابستان ۱۳۸۷)، ص ۳۳-۵۶.

۲۵. همان.

۲۶. مرکز بررسی اسناد تاریخی، آیت الله العظمی سید محمد هادی میلانی به روایت اسناد ساواک، ج ۲، ص ۴۱۸ و ۱۸۵.

۲۷. جرعه نوش کوثر، ص ۷۴؛ مرتضی یقینی پور، حدیث آفتاب (سیری در حیات فقهی، سیاسی و اخلاقی رهبر معظم انقلاب اسلامی، ص ۱۶۰.

۲۸. مرتضی یقینی پور، حدیث آفتاب (سیری در حیات فقهی، سیاسی و اخلاقی رهبر معظم انقلاب اسلامی، ص ۱۴۳ و ۱۴۴؛ شرح اسم، ص ۱۲۷-۱۲۹؛ مصاحبه با سید علی خامنه ای، موجود در آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، شماره بازیابی ۱۲۲۹ و فصلنامه فرهنگی، سیاسی و تاریخی ۱۵ خرداد، بهار ۱۳۷۳.

۲۹. رک: مرتضی یقینی پور، حدیث آفتاب (سیری در حیات فقهی، سیاسی و اخلاقی رهبر معظم انقلاب اسلامی) و جرعه نوش کوثر، ص ۶۳.

۳۰. پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار مقام معظم رهبری.

۳۱. علی امد محرابی، ۱۳۱۸ (خاطراتی از رهبر معظم انقلاب حضرت آیت الله العظمی سید علی خامنه ای مدظله العالی)، ص ۳۹۴.

۳۲. بیانات در دیدار جمعی از اساتید و فضلا و طلاب نخبه حوزه علمیه قم، ۱۳۸۹/۰۸/۰۲.

۳۳. پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار مقام معظم رهبری.

۳۴. هدایت الله بهبودی، شرح اسم؛ زندگی نامه آیت الله سید علی حسینی خامنه ای

(۱۳۵۷ش-۱۳۱۸ش)، ص ۶۴ و ۶۵؛ مصاحبه با سید علی خامنه ای، موجود در آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، شماره بازیابی: ۱۲۲۷.

۱۴. منتشر شده در خبرگزاری رسا، حوزه نیوز و رضوی.

۱۵. سید علی خامنه ای، روایت آقا (خاطرات حضرت آیت الله العظمی خامنه ای از زندگی پدر)، ص ۱۹۲-۱۹۵.

۱۶. همان، ص ۲۱۱.

۱۷. سید علی خامنه ای، گزارشی از سابقه تاریخی و اوضاع کنونی حوزه علمیه مشهد، ص ۵۳.

۱۸. هدایت الله بهبودی، شرح اسم؛ زندگی نامه آیت الله سید علی حسینی خامنه ای (۱۳۵۷ش-۱۳۱۸ش)، ص ۲۲۳.

۱۹. مصاحبه با سید علی خامنه ای، موجود در آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، شماره بازیابی: ۱۲۲۸ و شرح اسم، ص ۲۲۲.

۲۰. گزارشی از سابقه تاریخی و اوضاع کنونی حوزه علمیه مشهد، ص ۷۳.

۲۱. هدایت الله بهبودی، شرح اسم؛ زندگی نامه آیت الله سید علی حسینی خامنه ای (۱۳۵۷ش-۱۳۱۸ش)، ص ۱۹۶.

۲۲. حسن شمس آبادی، نقش علمای مشهد در انقلاب اسلامی، ص ۲۹.

۲۳. بیانات در دیدار اعضای کنگره بزرگداشت مرحوم حاج ملا علی آخوند همدانی، ۱۳۷۷/۵/۳.

۲۴. مصاحبه با سید علی خامنه ای، موجود در آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، شماره بازیابی ۱۲۳۳، جلسه نهم، ۳-۴؛ مهدی مهریزی، هادی ربانی، شناخت نامه حضرت آیت الله العظمی سید محمد هادی میلانی، ج ۵، ص ۲۱۱، مجله

(۱۳۵۷ش-۱۳۱۸ش)، ص ۱۸۴؛ مصاحبه با سید علی خامنه‌ای، موجود در آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، شماره بازیابی ۱۲۳۴.

۳۵. هدایت‌الله بهبودی، شرح اسم؛ زندگی‌نامه آیت‌الله سید علی حسینی خامنه‌ای (۱۳۵۷ش-۱۳۱۸ش)، ص ۴۳۶؛ پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار مقام معظم رهبری.

۳۶. بهاء‌الدین قهرمانی‌نژاد، سلاله‌الابرار؛ زندگی‌نامه رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، ص ۶۸ برگرفته از آرشیو اسناد و خاطرات معظم‌له در مرکز اسناد انقلاب اسلامی؛ مرتضی یقینی‌پور، حدیث آفتاب (سیری در حیات فقهی، سیاسی و اخلاقی رهبر معظم انقلاب اسلامی)، ص ۴۸.

۳۷. هدایت‌الله بهبودی، شرح اسم؛ زندگی‌نامه آیت‌الله سید علی حسینی خامنه‌ای (۱۳۵۷ش-۱۳۱۸ش)، ص ۲۱۱.

۳۸. آرشیو مؤسسه میراث فقاقت خراسان، مشهد مقدس.

۳۹. سید علی خامنه‌ای، روایت آقا (خاطرات حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای از زندگی پدر)، ص ۶۷ و ۶۸.

۴۰. هدایت‌الله بهبودی، شرح اسم؛ زندگی‌نامه آیت‌الله سید علی حسینی خامنه‌ای (۱۳۵۷ش-۱۳۱۸ش)، ص ۱۶۳ و ۱۶۴؛ سید محمدعلی میلانی، مرجع آگاه، ج ۲، ص ۳۸۷.

۴۱. مصاحبه با سید علی خامنه‌ای، موجود در آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، نوار شماره ۳۳۰۶؛ شناخت‌نامه آیت‌الله‌العظمی سیدمحمد‌هادی میلانی، ج ۵، ص ۹۷.

۴۲. هدایت‌الله بهبودی، شرح اسم؛ زندگی‌نامه آیت‌الله سید علی حسینی خامنه‌ای (۱۳۵۷ش-۱۳۱۸ش)، ص ۱۵۰.

۴۳. همان، ص ۲۱۶.

۴۴. همان، ص ۳۷۱.

۴۵. همان، ص ۴۱۲.

۴۶. همان، ص ۵۳۶.

منابع

الف) منابع مکتوب

* قرآن کریم

۴. خامنه‌ای، سید علی، روایت آقا (خاطرات حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای از زندگی پدر)، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی، ۱۴۰۴ش.

۵. خامنه‌ای، سید علی، گزارش از سابقه تاریخی و اوضاع کنونی حوزه علمیه مشهد، مشهد: انتشارات کنگره جهانی حضرت رضا (علیه السلام)، ۱۳۶۵ش.

۶. خراسانی، علی، منشور حوزه و روحانیت: دیدگاه‌ها و بایسته‌های حوزه و روحانیت از منظر رهبر معظم انقلاب اسلامی آیت‌الله‌العظمی سید علی حسینی خامنه‌ای، تهران: انتشارات انقلاب

۱. بهبودی، هدایت‌الله، شرح اسم؛ زندگی‌نامه آیت‌الله سید علی حسینی خامنه‌ای (۱۳۵۷ش-۱۳۱۸ش)، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۹۱ش.

۲. خادم، تقی، آیت‌الله‌العظمی سیدمحمد‌هادی میلانی به روایت اسناد منتشرنشده ساواک، تهران: نشر سهل، ۱۳۹۵ش.

۳. خادمی، حسین، گذرگاه خاص الخاص، قم: انتشارات واژه‌پرداز اندیشه، ۱۳۹۹ش.



- اسلامی، ۱۳۹۷ش.
۷. دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، مرجعیت آیت الله العظمی خامنه‌ای از دیدگاه فقها و بزرگان، بوستان کتاب، ۱۳۷۳ش.
 ۸. شمس‌آبادی، حسن، نقش علمای مشهد در انقلاب اسلامی، تهران: مؤسسه چاپ و نشر عروج، ۱۳۸۹ش.
 ۹. فصلنامه فرهنگی، سیاسی، تاریخی ۱۵ خرداد بهار ۱۳۷۳ش.
 ۱۰. قهرمانی‌نژاد، بهاء‌الدین، سلاله الابرار: زندگینامه رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت الله خامنه‌ای، تهران: نشر سبوح، ۱۳۸۲ش.
 ۱۱. مجله مطالعات تاریخی، سال پنجم، شماره ۲۱، تابستان ۱۳۸۷ش.
 ۱۲. محرابی، علی‌احمد، ۱۳۱۸ (خاطراتی از رهبر معظم انقلاب حضرت آیت الله العظمی سید علی خامنه‌ای)، تهران: مؤسسه فرهنگی هنری مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۹۶ش.
 ۱۳. مرکز بررسی اسناد تاریخی، آیت الله العظمی سیدمحمدهادی میلانی به روایت اسناد ساواک، تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۸۱ش.
 ۱۴. مهریزی، مهدی و ربانی، هادی، شناخت‌نامه حضرت آیت الله العظمی سیدمحمدهادی میلانی، تهران: نشر سهل، ۱۳۹۵ش.
 ۱۵. میلانی، سید محمدعلی، مرجع آگاه، قم: نشر الحقایق، ۱۳۹۵ش.
 ۱۶. نوروزی، علیرضا، مشاهیر حوزه علمیه خراسان، مشهد: نسیم رضوان، ۱۳۹۳ش.
 ۱۷. هفته نامه حریم امام، آستان مقدس امام خمینی، شماره ۲۷۹ (عمیدالدین آیت الله العظمی میلانی)، مرداد ۱۳۹۶ش.
 ۱۸. یقینی‌پور، مرتضی، حدیث آفتاب (سیری در حیات فقهی، سیاسی، اخلاقی رهبر معظم انقلاب اسلامی)، قم: بوستان کتاب (مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم)، ۱۳۹۲ش.

ب) منابع دیجیتال

۱۹. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار مقام معظم رهبری (www.khamenei.ir).
۲۰. خبرگزاری حوزه نیوز.
۲۱. خبرگزاری رسا.
۲۲. خبرگزاری رضوی.
۲۳. مصاحبه با آیت الله سید علی خامنه‌ای، موجود در آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، شماره بازیابی ۱۲۲۹ و ۱۲۳۳.
۲۴. آرشیو مؤسسه میراث فقاقت خراسان.